

## ظفار، گورسربازان ایرانی است

این عنوان یکی از مقالات مجله "الحریه" است (۴ ژانویه). از اینجا میتوان اندازه شرکت ارتش ایران را در جنگ بر ضد خلق ظفار و عمان و تمداد کشتگان ایرانی را قیاس کرد. در اثر نیرومندی روزافزون ارتش توده‌های ظفار و عمان، و پس از آنکه پایگاه نظامی انگلستان در صلاله از طرف ایمن ارتش بمباران شد، و پایگاه نظامی صرفیت مدت چهار روز در محاصره افتاد، و چهار هواپیمای انگلیسی بدست جنگجویان ظفار سرنگون گردید، و نیز عده‌ای از سربازان و افسران ایرانی در طی این عملیات بقتل رسیدند، تصمیم ارتجاع و امپریالیسم بر آن قرار گرفت که بر تعداد نیروهای تجاوزکار انگلستان و ایران و عربستان سعودی برای یورش بر قوای انقلابی عمان و ظفار افزوده شود. و منطقه مرکزی ظفار بعنوان میدان عملیات انتخاب شد زیرا که منطقه مذکور برای نیروهای انقلابی دارای اهمیت خاصی است، مشرف بر شهرهای مهم ظفار و منجلطه شهر صلاله است و نیروهای انقلابی با تمرکز در آن میتوانند بر پایگاه‌های استراتژیک دشمن همواره ضربه وارد آورند. از سال ۱۹۶۸ جاده‌های صلاله را به بی‌ثباتی و شمال عمان و سایر مراکز نظامی وصل میکند و اینک "جاده" سرخ نامیده میشود بدست نیروهای مسلح انقلابی افتاده است. شهر صلاله که شهر مرکزی ظفار جنوبی است فقط از طریق دریا و هواپاساير نقاط ارتباط دارد. اینک هدف نیروهای مزدور انگلیسی و ایرانی آن بود که "جاده" سرخ را بازستانند و ضمناً رابطه انقلابیون را با جمهوری یمن جنوبی قطع کنند. در این "حمله" بزرگ، نیروهای تجاوزکار ایران تلفات سنگین و بنا بر خبری ۱۴۰ تن کشته و زخمی دادند.

باین طریق ارتش محمد رضاشاه در یکی از ننگین‌ترین جنگ‌های تاریخ جهان و ایران درگیر شده است. البته تاریخ کشور ما همچنان که سرشار از پایداری دلیرانه خلق ما در برابر مهاجمات خارجی است صفحات سیاهی از لشکرکشی‌ها غارتگرانه طبقات فرمانروا نیز دارد. حکایت آن شاه‌پروانهای که از پارس به آتن لشکر کشید و امواج خروشانش و طغیانگر دریا را که به کشتی‌های او امکان مانور نمیدادند بشلاق بست (خشایارشا) در تاریخ کشور ما کم نظیر نیست. ولی این فرمانروایان به نیروی طبقاتی خود و با استقلال بسروکوب ملت‌ها بر میخواستند و حال آنکه محمد رضاشاه، این کسار یکسایر شاهنشاهی ایران، این ساتراپ کشور ویران و رنجور استعمار زده ایران، با انگشت دیگران بحرکت درآمده است. او مجری نقشه ای است که امپریالیست‌ها بمنظور برانداختن نهضت آزادی بخش عمان و ظفار و همچنین جمهوری دموکراتیک توده‌های یمن و استقرار خفقان در خاورمیانه و برسر منافع نفت، طرح کرده‌اند. سرفرمانده‌های با افسران انگلیسی و کارشناسان آمریکائی "جنگ ضد پارتیزانی" است. جنگ محمد رضاشاه در در عمان و ظفار ننگین‌ترین جنگ تجاوزکارانه در تاریخ کشور ما است. محمد رضا شاه در این مورد نیز مانند موارد دیگر سبهاکاری‌های خود میخواهد جنگ بر علیه خلق عمان و ظفار را از خلق ما پنهان بدارد و می‌پندارد که بازگشت سپاهیا از این "راه بی‌مائی" چندان بطول نخواهد انجامید. او بنا بر کفته بینی طبقاتی نمیتواند از نمونه جنگ در ویتنام و کوبا و لائوس، در آنکولا و موزامبیک پند بگیرد. جنگ خلق عمان و ظفار جنگ عادلانه‌است و یاران دیگری جز بیروزی حتی خلق و شکست رسوای تجاوزکاران نخواهد داشت. اگر مداخله مسلحانه محمد رضا شاه در عمان و ظفار ادامه یابد نه فقط بقیه در صفحه ۲

یاری رسان، نیروی توفان را

## رهسپاران انقلاب ایران

بیش از سی سال پیش اترانی، این انقلابی بزرگ مارکسیست - لنینیست، از ادگاه رضاشاهی بمنابه یکی از افزارهای ستکوری هیئت فرمانروای ایران برده برگرفت و چنین گفت: در اینجا ظاهراً سه طرف وجود دارد: یکی دادستان نماینده "قوه" مجریه، و دیگر دادرسان نمایندگان قوه قضائیه، و دیگر ما شهبان. ولی در واقع دو طرف بیشتر وجود دارند: یکی شما بعنوان نمایندگان هیئت فرمانروا، و دیگر ما نمایندگان "قوه" ملی. وی بی پروا و با تکیه بر موازین مارکسیسم - لنینیسم بر قوانین جاری جابر پشت پا زد و حکم انقلابی معروف را بر سر ادگاه کوفته گفت: "فقط آن قانون مقدمه است که حافظ منافع توده باشد".

از آن تاریخ تاکنون بیش از سی سال گذشته و سخنان اترانی روز بروز ظنن نیرومندتری یافته است. در طی این سالها در دو طرف مبارزه، در دو طرف تضاد، یعنی در قوای ضد ملی و قوای ملی تغییرات بزرگ روی داده است. بساط حکومت رضاخانی با یک ضربه از هم پاشید، طبقات حاکمه ایران دچار کجی و پریشانی شدند ولی بکدام امپریالیست‌ها توانستند بهوش آیند، دوباره افزارهای حکومت خود را محکم کنند، نمایندگان جدیدی را برگزینی حکومت بنشانند، احزاب سیاسی تشکیل بدهند، بیش از پیش روزرو شوند، پیوندهای تازه و متنوع و محکمتری با امپریالیست‌ها برقرار سازند، سلطنت مطلقه را تقویت کنند، در کودتای فاشیستی هند امپریالیست‌ها باشند، نقشه نواستعماری "اصلاحات" را اجرا کنند...

قوای ملی نیز رشد توفانی و بر تلاطم خود را طی میکنند: طبقه کارگر پس از شهریور ۱۳۲۰ با تشکیل حزب خود نیرومندوارد نبرد شد، بیگار برداشته، بیسابقه ملی و ضد امپریالیستی برافراشت، طبقات متوسط بمیدان کشانده شدند، بورژوازی ملی متشکل گردید، ضربات کاری بر امپریالیسم و ارتجاع وارد آمد، پیروزی‌ها و شکست‌ها ازین یکدیگر درآمدند، رویزونیسم سبهاکار باعث گردید که طبقه کارگر فراقه حزب مستقل خود شود از رهبری نهضت برگزار ماند، قوای ملی با شورش و خون کشید.

شدند ولی تصمیم تو و سهنگین تراز همیشه بریامیخیزند، وطبقه کارگر در زیر درفش ظفر بخش مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون برای احیای حزب خویش به پیش میروند...

در طی این سالها هزاران نفر در سنگرهای گوناگون و وظایف توده‌های، در میدان های رزم، در اعتصابات، در ادگاه‌ها، بمبارانات دلیرانه برخاستند، بزند ان رفتند، شکست دیدند، بجوبه، اقدام بسته شدند، در خاک آورده گاه در غلطی... ولی سپاه رهسپاران انقلاب روز بروز مزاج تر گردید.

هم اکنون محاکمه گروهروشن فکران انقلابی در نباله محاکمه اترانی و مظهری از جنبش انقلابی در ایران است. رژیم محمد رضا شاه ظاهراً ادگاه را علنی اعلام کرده است ولی جز مأمورین سازمان امنیت کسی را در ادگاه راه نیست و جز اقترا نامه سازمان و یا برخی از صحبت‌هایی که از طرف سازمان امنیت با افراد ضعیفی در گفته شده است چیز دیگری از آن بخارج روز نمیکند. نمایندگان و مطبوعات رژیم در همه حال از شیوه‌های عمل گروه سخن میگویند ولی انگیزه‌های سیاسی وی را بر پرده میگذارند. انقلابین دلیری که محکوم باعدام شدند در حالی که از شکستگاه بد ادگاه آورده شده بودند و شکست‌های تازه در انتظار آنان بود از خلق ایران و آرمان‌های انقلابی وی سخن گفتند و آنجا که سخن آنان بوسیله دشمنان قطع شد نوشته خود را بدادگاه دادند. رژیم محمد رضاشاه جرات ندارد دفاعیات این فرزندان خلق را منعکس کند و همین امر بهترین دلیل ناتوانی و مخکوبیت تاریخی اوست.

از تمام دفاعیات دانشیان و گسرخانی فقط این چند نظر را در مطبوعات رژیم آنهم در لابلای گزاره‌های دادستان میتوان یافت: "دانشیان درباره فلسفه مارکسیسم - لنینیسم صحبت کرد و سپس خود را پیرو مکتب مارکس دانست و در باره نفی اقدامات و اصلاحات انجام شده در سلطنت بیخبر پسر دخت و آنگاه رشته سخن را بچنگ و پتنام کشانید و در این زمینه مطالب شروحی بیان کرد".

از همین چند سطر سرودست شکسته بقیه در صفحه ۲

## دلال نفت و کارگشای امپریالیست‌ها

انحصارها و دولت‌های امپریالیستی که با نهضت مقاومت ناپذیر خلق‌های خاورمیانه در مسئله نفت روبرو شده‌اند امکان موفقیت خود را در آن می بینند که نهضت را در چارسری کشتکی و نفاق گردانند و آن را بدست عوامل خویش در جهت منافع خود برانند. محمد رضاشاه پیوسته در این جهت عمل میکند. او که امروز خود برادر صوفی مبارزان ضد شرکت‌های نفتی جازده است همان کسی است که مرکز تحریکات بر علیه دولت ملی صفای بود، فرمان عزل او صادر کرد، بر علیه او بدست امپریالیست‌ها کودتای تازه انداخت، نفت ملی شده ایران را با قرارداد خانانهای بتاراج کسرسیموم داد، درست در همان زمان که جریان نفت بدنیای امپریالیستی از طرف برخی از کشورهای عربی مورد تهدید قرار گرفت با جنجال بسیار و عوام فریبی بی پایان قرارداد جدیدی با کسرسیموم بست که میزان استخراج سالانه نفت ایران را از ۲۰۰ میلیون تن به ۵۰۰ میلیون تن افزایش دهد، در موقع خود بمخالفت با ترقی بهای نفت برخاست، استفاده از نفت بمنابه سلاح سیاسی را مردود شمرد و هربار که این مداخلات و اقدامات خانانها با فصیحیت روبرو کرد ناگهان جبهه عوضی کرد و صدای خود را با صدای دولت‌های عربی در آمیخت تا با بتواند مدتی دیگر در میان آنها بسود خدا وند کاران امپریالیست خویش فعالیت داشته باشد.

مردم ایران موضع گیری‌های محمد رضاشاه را بسود انحصارها و دولت‌های امپریالیستی فراموش نکردند معذک یسار آوری برخی از آنها در شرایط کنونی مفید خواهد بود. در آذر ۱۳۳۲ یکی از خبرنگاران در مصاحبه‌ای از محمد رضاشاه پرسید که آیا ایران در جد نیست در قرارداد کسرسیموم تجویب پذیرد؟ و محمد رضاشاه چنین پاسخ داد: "باین سئوال رسماً جواب نمیدم زیرا ما قرارداد را با کسرسیموم امضا کردیم و هر قراردادی برای ما مجتوم است".

در خرداد ۱۳۴۹ در جواب خبرنگار مجله "فرانسوی اکسپرس" پرسید: "آیا ایران میتواند در عین حال خیال

سرمایه گذاران نفتی را آسوده سازد" وی گفت: "بریتانیا بچه چیزی علاقه مند است؟ بریتانیا میخواهد که نفت همچنان تولید شود. مانیز همین را میخواهیم. این نفت را باید خریدار کند... (اطلاعات ۱۹ خرداد ۱۳۴۹)".

در همان تاریخ در مصاحبه با خبرنگاران رادیو تلویزیون فرانسه تصریح کرد که هدف وی افزایش قیمت نفت نیست بلکه افزایش تولید آن است. او گستاخانه چنین اظهار داشت: "هدف ما بدست آوردن قیمت بیشتر از نفت ایران نیست بلکه ما میخواهیم عزت خود را از راه استخراج نفت بیشتری افزایش دهیم" و برای اینکه هیچ شبهه‌ای نزد انحصارهای نفتی باقی نماند تکرار کرد: "مسئله برای ما عبارت از این نیست که امتیاز بیشتری بدست آوریم بلکه فقط میخواهیم استخراج نفت خود را افزایش دهیم و نفت بیشتری بفروشیم" (اطلاعات پنخردان ۱۳۴۹) یک ماه بعد هم فراتر نهاده برای تصمیم خانانها خود استدلال پیدا کرد و در مصاحبه‌ای در فلاند گفت: "اگر ما در آن برآنیم که قیمت نفت را بالا ببریم هزینه" بقیه در صفحه ۲

### عقل طبقاتی

سئوال - آیا بنظر شما میتوان انقلابی را از بالا برود م تحمیل نمود ؟

جواب - بله. این امر وقتی امکان پذیر است که مردم بقامات مافوق اعتماد و اطمینان داشته باشند.

از مصاحبه: محمد رضاشاه با خبرنگار ان بی سی.

اطلاعات ۴ اسفند ۱۳۴۸

تو با درک و این عقل کداتی

یقین باشد که مهر آریائی!

بر آتش کو بیفشانند اسپند

در آویزند بر تاجت نظر بنشد

ولیکن آتش این خلق کین توز

ز شاه اورنگ میخواهند اسپند

## سرنگون باد رژیم محمد رضاشاهی



# سیادت طلبی دوا بر قدرت در اروپا

در توضیح اعلامیه حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه "درباره دیدار رئیس جمهور فرانسه سارگین" (که شماره ۴ و ۵ توفان درج شد) مارکسیست ها لنینیست های فرانسه یک سلسله مقالات جالب منتشر ساخته اند که اینک یکی از آنها بنقل از "هومانیته" سن (۱۱ نوامبر ۱۹۷۳) از نظر خوانندگان گرامی میگذرد:

## معنای تطبیل نیروها در اروپا

در پایان اکثره کفرانست تطبیل نیروها درین تشکیل خواهد شد. در این کفرانست امریکا و شوروی و چند کشور پیمان اتلانتیک و پیمان ورشو با هم روبرو خواهند بود. فرانسه از شرکت در آن امتناع ورزیده است. هدف این مذاکرات عبارتست از تطبیل نیروهای نظامی امریکا و شوروی در اروپای مرکزی یعنی بطور عمده در آلمان. امپریالیسم امریکا و سوسیالیسم شوروی باید یکدیگر در مبارزه تاسیسات خویش را بر سر اسرجهای بگسترند و اکسون منطقه "عده" برخوردار آنها باید یکدیگر را بر سر است که هر دو آنها خواستار نظارت بر آنند. برای اعتقاد بر صحت این امر کافسی است بر فعالیت های دیپلماتیک پر دامنه در این منطقه و بدو مرحله از "کفرانست امنیت و همکاری اروپا" که امسال انجام گرفت و بر مذاکرات منظور تطبیل سلاح و بر تکرانی محافل حاکمه برخی از این کشورها نظر افکنده شود.

در مبارزه حادی که بر سر نظارت بر این منطقه از جهان درگیر است دوا بر قدرت امریکا و شوروی باید یکدیگر را مخالفت بسا ایجاد اروپای غربی سیاسی مستقل توافق دارند زیرا که این امر در حکم پایان خواب و خیال های آنان خواهد بود. امریکا با اروپای غربی متحد در برابر شوروی موافق است ولی مشروط بر آنکه این اروپا تابع امریکا و دنبال امر آن باشد و خلاصه آنکه امریکا سیادت خود را بر آن برقرار کند. استقلال سیاسی اروپای غربی بازم بیشتر موجب تضعیف امریکا خواهد شد. همین بازار مشترک کنونی تا امروز صبر است سخت بر وی وارد ساخته است. اما شوروی ها دوا بر ترمیم می دانند نفوذ خویش را بر بلوک محکم اروپای غربی بر قرار کنند تا بر کشورهای کوچک. از این جهت دوا بر قدرت امریکا و شوروی مشترکاً با اراده استقلال طلبانه کشورهای اروپائی و بویژه فرانسه که بیش از همه در برابر فشار آنها مقاومت نشان میدهد مخالفت میورزند. توسعه مبارزاتی که در خارج بر علیه آزمایش های فرانسه بعمل می آید و گسترش مبارزات هواداران دوا بر قدرت در فرانسه (یعنی اصلاح طلبان و سوسیالیست های بسود امریکا و ورهیران روزیونیست بسود شوروی ها) از اینجاست که توجیه است.

دوا بر قدرت امریکا و شوروی در زیر پوشش تطبیل نیروها از دو طریق با استقلال اروپا مبارزه میکنند:

۱- یکی از طریق ایجاد سرود "درباره نمایش جدید" رفع تشنج "کدر هر کشور بوسیله" احزاب طرفدار آنها برپا میشود و هدفش اخلال افکار عمومی است.

۲- دیگر از این طریق که شوروی ها و امریکائیان بر سر تطبیل نیروها در اروپا موافقت کنند و در آنجا منطقه ای خاص بوجود آورند و مناطقی که نفوذ هر دو وی آنها در آن جاری باشد. بدیهی است که هرگاه بخشی از سرزمین اروپا از حاکمیت وی خارج باشد اروپا سیاسی تحقق پذیر نخواهد بود.

## نظری بتناسب نیروها

تناسب نیروها از این قرار است:

اروپا		شرق	
(با حساب سپاهیان امریکا)			
افراد	۲	۳	
زره پوش	۱	۳/۵	
هوابیما	۳	۵	
توپ	۱	۳	

بر این تابلویاید ۷۰۰ موشک شوروی را اضافه کرد که بسوی اروپای غربی توجیه شده است، اروپائی که ظرفیت آتش اندک است و از این حیث وابسته به حمایت امریکاست. ارتام سخن میگویند و برتری شوروی ها را نشان میدهند. همچنین باید بحساب آورد که اروپای غربی فاقد پشت جبهه استراتژیک نظیر سرزمین شوروی است. یعنی کک امریکا باید از اتلانتیک بگذرد و این خود از عطیات طولانی است و

دشوار پیش از آنجهت بیشتر میشود که نیروی هوائی و دریائی برزخ خواهد توانست راههای حمل و نقل را قطع کند. در دوتیرین که در ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ صورت گرفت حمل و نقل سپاهیان امریکائی بارونیا یک بار ۱۶ و یک بار ۲ روز بطول انجامیاد زمانی را که برای کره آوری واحد ها، گرفتن سازوبرگ و حرکت سپاهیان تا منطقه درگیری لازم است بر این مدت اضافه کرد.

از سوی دیگر جغرافیای اروپای غربی باعث دشواری ارتبامیکرد و بحال آنکه شوروی ها از تسهیلات ارتباطات جلگه های برخوردارند.

علاوه بر این ملاحظاتی که باید عوامل دیگری را نیز در نظر گرفت.

عوامل سیاسی:

اروپای غربی بر آنکه است و کشورهای آن تضاد هائی با یکدیگر دارند و حال آنکه بخش شرقی اروپا تحت فرماندهی واحد کرملین است.

عوامل اقتصادی:

اروپای غربی وارد کننده مواد خام استراتژیک است و در معرض این خطر قرار دارد که تحویل مواد مذکور و راه های حمل و نقل آنها قطع شود. مثال نفت کاملاً روشن است.

عوامل روحی:

غرب و رشتت کامل آید و تلووزیک و روحی بسرمیرو و ایمن امر موجب توسعه آشفته فکری و ناسیسیسم میگردد. تبلیغات دوا بر قدرت در زبانه رفع تشنج و تبلیغات روزیونیست ها و تروتسکیست ها در این مورد بی اثر نبوده است. ارتش های غرب در اثر این تبلیغات ضعیف شده اند. هرگاه دوا بر قدرت بر سر تطبیل نسبی نیروها توافق کنند امریکائیان باید از اقیانوس اطلس بگذرند و حال آنکه شوروی ها فقط چند صد کیلومتر عقب خواهند نشست. اگر در نظر بگیریم که سوسیالیسم امریکائیسم شوروی به قابلیت تحریک سپاهیان خود و جنگ برق آسای توجه بسیار دارد. اگر در نظر بگیریم که وی در آموزش برچسکواکی توانست تانک های خود را در عرض یک شب از فواصل یعی بگذراند و قبلاً نیزه پیاده گردن وسیع جتر بازان دست بزند، آنگاه خواهیم دید که "تطبیل" "سرخ از اجناس" نظامی بسود برزخ است. نیروهای او برای رسیدن به رن فقط باید از پشت بین مانعی بگذرند.

## انگیزه های امریکا

امپریالیسم امریکا گرفتار بحران ناهلای است و روز بروز بیشتر در آن غرق میشود. امپریالیسم امریکا سرچشمه ناتوانی میروید. شش ماه پیش کیسینجر صریحاً گفت که باید سیاست امریکا را با امکانات آن تطبیق داد. نگهداری ارتش در اروپا گران تمام میشود. در شرایطی که اروپائیان بر قیادت شده بدیفاستها نند نیکسون مجبور به صرفه جویی است. او مجبور است لنگه ارا ن خود در اروپا بگذارد.

در عین حال امریکانست به اروپائیان به خاطر نسبت میزند زیرا که آنان از توسعه طلبی شوروی وحشت دارند. امریکا میخواهد که آنها را از لحاظ سیاسی و نظامی بدیبال و بدیگسازند مطبوعات خبر دادند که امریکائیان در این مورد فشار را بر روی فرانسه وارد آوردند. امریکائیان میطلبند که ارا بانها امتیازات اقتصادی و پولی بدیهد و تمام هزینه سپاهیان امریکا در اروپا را بعهده گیرد.

از سوی دیگر امریکائیان میخواهند از طریق تطبیل نوهای شوروی در اروپای شرقی و از طریق کفرانست امنیت اروپا و اثرش مراد "آزاد افکار و اشخاص" از فشار رنکته شوروی بر روی مد کوریکاهند تا شاید جریاناتی تا نند آنچه در ۱۹۶۸ در جلوا کی گذشت ایجاد کنند یعنی وارد حرم برزخ میوند. شوروی از رفع تشنج بیخبر میگردد. و نه تد اراک تجاوز مطر است.

شوروی چه میکند؟ - صلح میشود و دیوانه وار مسلح میشود. این گنه بهالغته آمیز نیست. تسلیحات شوروی طبق نوشته های اقتصاد دانان آن کشور ۰ درصد بودجه شوروی رامیبلعد ( در امریکا ۷/۷ درصد آنها و در فرانسه ۳/۱ درصد آنها) . شوروی پشت سر هم به انفجارهای اتنی مشغول است. توانسته است بسطح امریکا برسد و نزدیک است که از آن بگذرد. در مورد نیروهای سنتی نیز چنین است. تعدد در نفقاتش راهب چنان می افزاید و سلاح های جدید و قریب بمیدان می آید.

نظری به فعالیت او در اروپا بیفکیم. کشتیهای جنگی شوروی در دریای بالتیک، دریای شمال و اقیانوس اطلس روز بروز بیشتر میشوند. ۷۵ درصد نیروی زمینی او در برابر اروپا گسترش یافته است. از ۱۹۶۸ علاوه بر ۵۰۰ تانک شوروی که در جمهوری دموکراتیک آلمان مستقر بود ۱۰۰۰ تانک دیگر بان کشور فرستاده شد یعنی قوای تانک شوروی در آن کشور ۳۰ درصد افزایش یافت. همچنین در کشور مذکور در طی پنج سال تعداد توپ های شوروی دو برابر شده، نیمی از توپ های سابق نوشته، موجودی سازوبرگ افزایش یافته و تعداد هواپیماها ۵۰ درصد بالا رفته است. دولتشکریان جدید باین منطقه فرستاده شده و باین طریق تعداد لشکرکام پیاده شوروی در منطقه مذکور بر ۳۲ بالغ گشته است. سرعت مانورهای بیشتر شده است. تکیه شوروی بر صحت تعرضی نیروهاست و این امر را میتوان در توسعه نیروی جتر بازان و کمانده ها مشاهده کرد. برزخ در دیدار اخیر خود از امریکا کسناخی را بدیجا رسانید که در تلویزیون امریکا گفت: "هنی بسیار اند کسانی که بجای مذاکره با روح سازندگی و بجای همکاری علمی در اطراف مذاکرات نظامی، سابقه تسلیحاتی سروردا راه می اندازند". او که خود در تد اراک جنگ است منتظر بود که برای این سخنانش گف بزنند.

برخی میبندارند که تعادل اتنی امریکا و شوروی بتنهائی برای حفظ وضع موجود اروپا کافی است. اینک بورژوازی های این کشورهای غربی تاجه حد بیطرف خواهند ماند و تاجه اند از ه سیادت شوروی را خواهند پذیرفت تا از انهد اهای جنگ سنتی و یا جنگ هسته ای جلوگیری شود، امری است ناممکنوم.

همچنین باید توجه داشت که جتر اتنی امریکا بر روی اروپا گرایش به جمع شدن دارد. چرا؟ زیرا که: بیست سال پیش تناسب نیروهای استراتژیک (و منجمله نیروهای هسته ای) باندازه شکننده ای بسود امپریالیسم امریکا بود. در کترین امریکا در آن موقع عبارت بود از "مجازات گلی" در برابر هر حمله ای که بر یکی از متحدان امریکا وارد آید. اما بتدریج که اتحاد شوروی بر کمبود های خود فائق آید و امکانات او در تخریب در سرزمین امریکا افزایش یافت امریکائیان مجبور شدند این وضع را بحساب آورند و در کترین جدید تعرض متقابل متقابل را پیش کشیدند. این در کترین بیان معنی است که امریکا حاضر نیست همینکه اروپا مورد تعرض قرار گرفت دفاع او و ارتش اتنی شود. پس اینک که شوروی آماده میشود در میان کشورهای دارند، بمب اتنی مقام اول را احراز کند چگونه میتوان به حمایت ۰۰ درصد امریکا اعتماد داشت؟

سیاست دفاعی کشورهای اروپای غربی بسیاری از این کشورها تا کون کاملاً بر امپریالیسم امریکا تکیه کرده اند. امروز نیز از بودجه نظامی میکاهند: تا از هزینه خوب بگاهند و سعی خویش را بپیاورد و اقتصادی و مالی مصروف دارند.

تا به عوام فریبی انتخاباتی ببرد از تد آن قسمت از افکار عمومی را که تحت تاثر سوسیالیسم و تروتسکیست تبلیغی رفع تشنج بین الطلی قرار ارد جلب کنند. بدیانتارک رامنال می آوریم: بالانکه ابر قدرت های دوگانه پارلیمان و مبارزه روز افزون خویش بر سر احراز نظارت بر اروپا، بقیه در صفحه ۴

توطئه «صلح» دوا بر قدرت را بر علیه خلق های عرب افشا کنیم!

# بهترین آرزوها برای رفیق مائوتسه دون

## ادامه دهنده برجسته مارکس انگلس لنین و استالین

روز ۲۴ دسامبر ۱۹۷۳ رفیق انورخوجه از طرف حزب کار و خلق آلبانی هشتمین سالگرد ولادت رفیق مائوتسه دون را شادباش گفت. این شادباشی عادی نیست. ارزیابی نقش تاریخی رفیق مائوتسه دون است که بوسیله مارکسیست لنینیست بزرگ رفیق انورخوجه داده میشود. بیان احساسات پرشور و همه احزاب و سازمان های مارکسیستی - لنینیستی، منجمله سازمان ها و همه خلق های انقلابی است. از این جهت ما شادباش مذکور را از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم و غرور رسی آن را توصیه میکنیم.

رفیق مائوتسه دون بسیار عزیز

بسیار خوشنودم که بنام کمیته مرکزی حزب کارآلبانی، کمونیست ها و سراسر خلق آلبانی و همچنین بنام شخص خود، گرمترین برود ها و بهترین آرزوهای را که از دل ما برمیخیزد به مناسبت هشتاد سالگی شما بیان دارم.

کمونیست ها و خلق آلبانی شخص شما را رهبر پرافتخار حزب قهرمان کمونیست چین و خلق برادر چین، عزیزترین و محبوب ترین دوست خلق آلبانی، مارکسیست - لنینیست کبیر، مبارز آزموه و قلبه ناپذیر بر علیه امپریالیسم و روسوز - نیسم معاصر و سوسیال امپریالیسم شوروی، و بر علیه مرتجعان و رنکارنگ می شناسند.

شما، رفیق عزیز مائوتسه دون، حزب کمونیست چین را بنیاد گذاشتید، حزب و خلق برادرو والاعت و آزادی پرست چین را در طی مبارزات طبقاتی تمامی افسانه های بسوی پیروزی بزرگ تاریخی پیروهای ارتجاع داخلی و امپریالیسم و در ساختمان جمهوری کبیر چین رهنمون شدید. چین نوین تحت رهبری درخشان حزب کمونیست چین که بوسیله شما خردمندانه راهنمایی میشود بصورت تجسم پرتوان سوسیالیسم و در تسخیر ناپذیر، بصورت حامی و الهام بخش خلق های ستونگین و استثمار زده سراسر جهان درآمده است.

شما، رفیق مائوتسه دون، انقلاب کبیر فرهنگی پرلتری را که گامی بی آن نه فقط در عرصه ملی بلکه بین المللی، پیروزی مارکسیسم - لنینیسم، پیروزی آرمان سوسیالیسم و کمونیسم است و سرچشمه الهام سراسر جنبش انقلابی جهان است. شیخا برانگیختید و رهبری کردید. انقلاب فرهنگی، شی خائانه لیوسائوسی را در هم شکست و پیروزی های سوسیالیسم و دیکتاتوری پرلتراری را در چین تحکیم کرد. حزب کمونیست چین تحت رهبری شما توطئه خطرناک و ضد انقلابی در او دسته لنین نیانو، این فرصت طلب بورژوا و توطئه انگیز و مرتد را کشف کرد و در هم ریخت.

خلق کبیر چین با بکار بستن رهنمود شما یعنی بر "انقلاب کردن و تولید را جلو راندن" موفقیت های شگرفی بدست آورده صنعتی نو بنیاد نهاده، کشاورزی پیشرفته، دانش و تکنیکی در سطح جهانی، آموزش و فرهنگی شکوفان، و ظرفیت دفاعی مغلوب نشدنی و مجهز به نیرومندترین سلاح ها ایجاد کرده است. امروز چین توده های از حیثیتی بیمانند برخوردار است و در عرصه بین المللی نقش بزرگ ایفا میکند و نفوذ عظیم دارد. جمهوری توده های بمشابه صخره های از سنگ خارا و سنگ ترسناک سرخسختی انقلاب و آزادی خلق ها و سوسیالیسم قدر است کرده است. کمونیست ها و تمام خلق چین در بر تواننده های بزرگ مارکسیستی لنینیستی شما، بنیادین شدن در نبرد های حاد طبقاتی انقلاب کبیر - فرهنگی پرلتری، و با اجرای مصمانه تصمیات ککره، در هم تاریخی حزب کمونیست چین، با گام های غول آسار در راه تیانک احراز پیروزی های جدید و باز هم بزرگتر در زمینه تکاملی و وقعه انقلاب و ساختمان سوسیالیسم، به پیش میروند. شما، رفیق عزیز مائوتسه دون، بمشابه تئوری دان و استراتژی کبیر انقلاب در مبارزه آشتی ناپذیر بر ضد جریانات گوناگون امپریونیستی - راست و چپ، بویزه بر ضد موعظه های رویزونیست های خروشی که با ترانقلاب و کمونیسم خیانت ورزیده اند، از تعالیم پیروز گر مارکسیسم - لنینیسم، وفادارانه و سرسختانه دفاع کرده اید.

شما بمشابه ادامه دهنده برجسته آموزگاران بزرگ پرلتراری جهانی، مارکس، انگلس، لنین و استالین دانش مارکسیستو لنینیستی را با توجه به شرایط چین و مختصات عصر ما، در زمینه فلسفه، در زمینه رشد و اقوام حزب پرلتراری، در زمینه استراتژی و تاکتیک مبارزه انقلابی و مبارزه بر علیه امپریالیسم، در زمینه مسائل ساختمان جامعه سوسیالیستی، بسط داده و بطور خلاق غنی تر ساخته اید. تعالیم شما در مورد ادامه انقلاب

در شرایط دیکتاتوری پرلتراری - ادامه انقلاب بمنظور آنکس ساختمان کامل سوسیالیسم تا پایان انجام گیرد و راه بر باز - کشت سرمایه داری بهر شنگ که باشد و از هر جا که بیاید بسته شود - سهم ارزنده های در تئوری و عمل سوسیالیسم علمی بشمار می آید و ارزش بزرگ بین المللی دارد. آثار شما برای کلیه مارکسیست ها - لنینیست ها و برای کلیه زحمتکشان مکتب واقعی انقلابی است.

کمونیست ها و قاطبه خلق ما به هم برجسته شما در تحکیم و تقویت دوستی بزرگ انقلابی حزب کار آلبانی و حزب کمونیست چین، دو کشور آلبانی و چین، خلق های آلبانی و چین که در مبارزه مشترک برای آرمان سوسیالیسم و انقلاب صمیمانه بهم پیوسته خواهند بود و از یکدیگر برای اجزای پیروزی بر دشمنان مشترک خویش الهام و نیرو خواهند گرفت، ارزش فراوا میگردانند. سخنان فراموش نشدنی شما در پیام به پنجمین ککره حزب کار آلبانی، که گفته بودید "علی رغم هرجا که ای که در جبهه روی دهد مسلما در حزب ما و خلق ما پیوسته با هم خواهند بود، در کار هم خواهند رزمید و با هم پیروز خواهند شد" همیشه برای خلق آلبانی سرچشمه بزرگ الهام است.

باین مناسبت، رفیق مائوتسه دون عزیز، ما برای شما از جان و دل تشکر میرویم و عرض میگردانیم که پیوسته در کنار شما و خلق برادر چین، بسود بشریت بترقی و به خاطر پیروزی مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم و کمونیسم در سراسر جهان، و آرزوی میگردانیم که شما با اندیشه کوهها عمر را زنده داشته باشید.

انورخوجه

دبیر اول، کمیته مرکزی حزب کار آلبانی

### آلبانی سوسیالیستی

#### ۸ برابر ۱۹۶۰ برق تولید میکند

صنعت برق آلبانی در ۱۹۷۳ بر نانه تولیدی خود را با موفقیت انجام داد و در وقت با اقتصاد توده های بزرگ رسانید. صنعت برق آلبانی بنا بر رهنمود های حزب کار آلبانی با آهنگی سریع تر از سایر رشته های صنعتی تکامل مییابد و در پیشرفت پیش صنعتی کردن سوسیالیستی کشور رو شد. اقتصاد توده های قرا دارد. در سال ۱۹۷۳ تولید برق ۱۶۶ برابر سال ۱۹۴۸ بود و مجموع تولید صنعتی ۸۵/۴ برابر آن. اکنون صنعت برق کلیه نیازهای بسیار منابع، میدان های ساختمانی، و سایر رشته های اقتصاد و زیر حواجی روشنائی شهرها و روستاها را موفقتا برآورده میسازد. سیاست حزب کار آلبانی مبنی بر آن بود که تولید برق افزایش یابد و تفاوت های اساسی میان روستا و شهر رو بکاهش رود و این سیاست به الکتریفیکاسیون کامل روستاها منتهی گردید. آلبانی یکی از کشورهای معدودی است که روستاهای آن تماما برق دارند.

اینده دور برق از آلبانی آغاز شده است. کامپانی بلند مدت توسعه صنعت برق بویزه در مورد ۱۳ سال اخیر در آشته شد. در این مدت طی رزم محاصره امپریالیستی و رویزونیستی، ساختن تعدادی نیروگاه نیرومند برق آبی و حریتی اقدام شد و تولید برق بر ۸ برابر ۱۹۶۰ بالغ گردید. آلبانی دارای منابع متعدد انرژی آبی است. ظرفیت سالیانه در رودخانه بزرگ دریایی و ریزش آبتهای بالغ بر ۴۰ میلیارد لیتر است. ساعت میشود. از این جهت تکامل صنعتی برق بر به بهره برداری از منابع آبی تکیه دارد. برای استفا از این منابع یک سلسله نیروگاه ساخته شده و تعداد دیگر در دست ساختند و یاد رنقته آینده ساختمان است. طی نقشه پنجمه مومسات بزرگ صنعتی

سیادت... بهیاز صحنه ۳ موجب نااضی اروپا میگردند. دامناک بهیزان زیادی از بودجه نظامی خود گاسته نغرات ثابت ارتش را تقلیل داده، تعداد کشتی های جنگی را کتر کرده، یک پایگاه نظامی را برداشته و مدت خدمت نظام را از ۱۲ به ۹ ماه پائین آورده است. آیا این روش بان معنی نیست که "من تسلیم قدرتمندترین امپریالرت ها نخواهم شد"؟ آیا این روش بسود دوا بر قدرت و بیزان مصالح خلق دامناک نیست؟

در اروپا فقط آلبانی از نیروی دفاعی واقعی برخوردار است که نه فقط بر ارتش منظم بلکه بر خلق که بوسیله حزب کار آلبانی از حیث سیاسی و نظامی مجهز شده است تکیه دارد. از اینجهت با آنکه آلبانی کشور کوچکی است نه شوروی و نه امریکا جرات نکردند بان دست بزنند.

بورژوازی طبقه های استعزاز تا مین پیگرد استتقلال طوسی زیرا که نمیتواند بر خلق تکیه کند و در همان حدود که در برابر تحمیل سیادت دولت های دیگر مقاومت میورزد نیز گرایش به تسلیم دارد. ژنرال بیوت در کتاب خویش بنام "دوران استتلا گفتار ژنرال دوگ را نقل میکند که در الجزیره باو گفته بود: اگر امریکائیا و روسها جنگ را ببرند، راهی که من انتخاب کرده ام درست است ولی اگر آلمانها فائق شوند حق با چین است. آیا از این گفتار نمیتوان به محدودیت مقاومتی کتبه بورژوازی های انحصاری اروپای غربی سخن است در برابر تشبثات تجاوزکارانه شوروی نشان دهند بی برد؟

در میان کشورهای اروپای غربی، دولت فرانسه بیشترین از همه در برابر سیادت طلینی مقاومت نشان میدهد. مثلا نمیتوان از امتناع او از شرکت در راند اکرات وین اظهار خرسندی نکرد. معذک سیاست او نشیت به مشکواری از امپریونیسم و جنبه تسلیم طلبانه نیست.

آیا کشورهای اروپای غربی که بموقع خود قبضیت امریکا را پذیرفته اند در معرض آن نیستند که در حیطه نظارت سنگو بیفتند؟

سوسیال امپریالیسم شوروی میکوشد که نفوذ خود را بر سراسر جهان بگسترده. کشورهای غربی میل دارند که او جیا چین بیفتد. و این امر ماجراجویی نظامی بسیار خطرناکی است. در ۱۹۴۹ نیز دولت های فرانسه و انگلستان تمام سعی خویش را بکار بردند تا آلمان نازی را به حطه بز اتحاد شوروی واگذار ولی خود آنها قبل از او مورد تهاجم آلمان نازی واقع شدند. امروز این ننگوال برای سوسیال امپریالیسم شوروی مطرح میگردد که ام یک از این دو طعمه آسان تر بدست می آید: چین یک پارچه و مجهز و آماده دفاع ویا اروپای غربی؟

تقلیل نیروهای مسلح نه فقط به استقرار آرامش واقعی کت نخواهد رسانید بلکه عملا تهدید شوروی را بر روی اروپا تقویت خواهد کرد. اوضاع کونی منتهی تا مین وسیع تر شدن وحدت است بر علیه توسعه طلینی اتحاد شوروی در اروپا و بخاطر پاسداری از استقلال ملی. هیتلر نیز میخواست سیادت خود را بر اروپا و بر جهان بگستراند و سرانجام او را همه میدان تردیدی نیست که در او دسته برونفا اگر در همین راه عناد ورزد سرانجام دیگری نخواهد داشت.

### وحدت و مبارزه

"تحقی وحدت فقط از راه مبارزه میسر است... هیچ وحدتی با اعراض از مبارزه بدست نمی آید".

#### مائوتسه دون

ساخته خواهد شد که استفانده از آنها مستلزم مقدار عظیمی برق خواهد بود. مجتمع ذوب آهن الباسان پتهائی بان اندازه برق احتیاج خواهد داشت که در ۱۹۶۹ در سراسر آلبانی تولید میشد. از این جهت علاوه بر نیروگاه مائوتسه دون که هم اکنون بهره برداری میشود نیروگاههای آبیسی و حراری دیگری نیز طی نقشه پنجمه ساخته خواهد شد و باین طریق نیروی برقی که طی نقشه پنجمه کونی بنیاد کرداری میشود ۱۷۰ درصد بیشتر از نیروی برقی خواهد بود که طی نقشه پنجمه قبل بنیاد کرداری شد. با ساختمان این مومسات و بهره برداری صحیح از ظرفیت های موجود، تولید برق در ۱۹۷۰ به دو برابر سال ۱۹۷۰ خواهد رسید.

خبرگزاری آلبانی

## پیروز باد جنگ توده های خلق کامبوج

زنان... بقیه از صفحه ۶ ایران خطاب میکنیم:

خواهران گرامی

شعانی از جمعیت کشوری ونیمی دیگر را در امن خود میبرورانید. آنها را چنان ببرورانید که شایسته زندگانی نوین باشند. از هم اکنون مغز و بازوی آنها را برای سرنوشتی رژیم محمد رضا شاه و استقرار حکومت خلق پرورش دهید. بخاطر خود و بخاطر آنها در مبارزه عظیم خلق برای رهائی از ارتجاع و استعمار شرکت جوئید. همه ووش برادران مبارز خویش روشت و پناه شوهران بیگارجوی خویش باشید.

درد پرشور زنانی که میزنند. افتخار بر زنان مبارزی که بخاطر رهائی خلق در جنگا ل دوخیمان اسیراند. برقرار باد همبستگی زنان ایران با زنان از بندرسته جهان در چین و آلبانی و ویتنام و کره.

درباره... بقیه از صفحه ۶ کارگرد عرصه ایران توجه کنیم. بر سر مفهوم "احیا" توافق حاصل نیست. ولی آیا این عدم توافق باید مانعی بر سر راه وحدت مارکسیست ها لنینیست ها ایجاد کند؟

این مسئله از کجا پیدا شده است؟ از آنجا که ما معتقدیم حزب طبقه کارگر از سال ۱۹۲۰ (سال تأسیس حزب کمونیست ایران) تا سقوط حزب توده ایران بر روی بنیاد وجود داشته است. ما حزب توده ایران را با وجود تمام نقایص و اشتباهات بزرگش حزب طبقه کارگر ایران می شماریم و از این جهت میگوئیم که باید حزب طبقه کارگر را در عرصه ایران احیا کرد. بدیهی است که منظور ما در اینجا احیا حزب کمونیست ایران و یا حزب توده ایران در همان سطح سال های پیشین و با همان نقایص نیست و نمیتواند باشد. امروز نهضت کمونیستی ایران در شرایط جنگ و بیوزگی پس از نبرد عظیم ایدئولوژیک بین مارکسیسم لنینیسم و رویزیونیسم مقضی استراتژی و تاکتیک دقیق تر و درجه

بمراتب بالاتری از آگاهی و تشکل و روحیه انقلابی است. وظیفه ما بررسی صبورانه و نتیجه گیری دقیق و علمی از اشتباهات گذشته حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران و تجربه اندوزی است. چنانکه گفتیم برخی برآنند که حزب توده ایران هیچگاه حزب طبقه کارگر نبوده و از حد و حد حزب خود عبور کرده و فراتر نگذاشته است. از این جهت از "احیا" سخن نمیگویند نه از "احیا". بعقیده ما این نظر ناشی از شناختی و بیخبری از فعالیت حزب توده ایران سرچشمه میگردد و تبلیغات دشمن و نیز مغالطات خود رویزیونیست ها که از گذشته خویش بیعتناک اند و آن را در گروگن میسازند در این مورد بی تاثیر نبوده است. ولی آیا این اختلاف نظر میتواند مانع وحدت مارکسیست ها - لنینیست ها گردد؟ جواب ما باین سوال منفی است. گواه این امر همان آنست که ما هیچوقت اعتقاد بسابقه حزب توده ایران را شرط عضویت سازمان توفان قرار نداده ایم. توفان در شماره سوم (مهرماه ۱۳۴۶) چنین نوشت:

"برای جمع آمدن در یک سازمان مارکسیستی - لنینیستی وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و روحیه انقلابی و صداقت انقلابی لازم است. کلیه مسائل مربوط به جنبش تنهاد در روئ چنین سازمانی قابل حل است." سازمان ما هیچگاه گرفتار تنگ نظری و خرده کاری نشده و پیوسته مصالح طبقه کارگر و خلق زحمتکش ایران را والاتر از هر ملاحظه دیگر دانسته است. مبارزه ما در زمینه ایدئولوژیک پیوسته متوجه افشا نظریات نادرست و کمک به اصلاح خط مشی گروهها و افراد صدیق انقلابی بوده است و نه متوجه هدف های دیگر. ما در همه حال برای وحدت مبارزه کرده ایم و اینک نیز برای وحدت مبارزه میکنیم. ما بار دیگر بهمه مارکسیست ها - لنینیست ها ندا میزنیم:

رفقای عزیز، در این شرایط که حوادث پسر عظیمی در خاورمیانه و ایران میگذرد، در شرایط ستم بیگران ارتجاع و استعمار، در شرایطی که حکومت سیه کار کودتا هر روز قربانیان تازه ای از انقلابیون میکورد وحدت مارکسیست ها - لنینیست ها برای شرکت موثر در بیگار سنجین خلق ایران و رهبری آن، بعنوان وظیفه ای مهم تر از همیشه در برابر ماست. بگوئیم که این وظیفه را بشایستگی انجام دهیم.

### فرهنگ منحط رویزیونیستی

یکی از آماج های مبارزات ملی و ضد امپریالیستی خلق ایران فرهنگ منحط و نواستعماری است که بویژه بوسیله امپریالیسم آمریکا از طریق ادبیات، سینما، موسیقی و شیوه زندگی آمریکائی ترویج میشود. و تاکنون پیروزی های بزرگی در این مبارزات بدست آمده است.

ولی در سالهای اخیر فرهنگ منحط و نواستعماری دیگر نیز در کشور ما پیروز آغاز گردید است: فرهنگ رویزیونیستی شوروی. هیئت فرمانروای ایران که روزگاری از بیم فرهنگ سوسیالیستی و هر مطبوعه شوروی و حتی آثار کلاسیک هائی نظیر پوشکین را باب و آنترسی سپرد و دارندگان آن را تحویل دادگاه و زندان میداد اینک در پی یابد که آن فرهنگ "هراس انگیز" گذشته، پایهای رژیم سوسیالیستی، از آن کشور رختبر بسته و جای خود را به فرهنگ باب طبع همه مترجمان داد.

است. دیگر آن فرهنگی که طغیان بر ضد دنیای کهن را الهام میداد، آئینه قهرمانی خلق بود، جانبازی در راه آرمان والای سوسیالیستی را ستایش میکرد، جنگ عادلانه میهنی و ضد فاشیستی را می ستود، شیوه زندگی انسان نوین را نشان میداد، از انترناسیونالیسم برترین سیراب میشد وجود ندارد. فرهنگ امروزی شوروی فرهنگ پرروازی نواخته و تنگ نظر و حریص و مهاجمی است که جز پول پرستی، مالکیت خصوصی، عشرت طلبی، و تقلید زندگی آمریکائی هدف دیگری نمی شناسد و بدیهی است که چنین فرهنگی ممکن نیست "شاه بسند" نیا از این جهت در سال های اخیر، هیئت فرمانروای ایران راه را بر روی این فرهنگ بازگذاشته است.

شاید جدیدترین مجموعه ای که شوروی ها از ادبیات خود برای فارسی زبانان ترجمه کرده اند "درروشنائی روز" باشد که از ده داستان کوتاه که نام یکی از آنها بر روی مجموعه گذاشته شده است. صرف نظر از یکی دو داستان که یاد در دوران جنگ و پیش از سلطه رویزیونیسم در شوروی نوشته شده و با هنوز رنگ و بوی آن دوران را دارد سایر داستان ها نمونه بازی از ادبیات رویزیونیستی معاصر است. برای مثال میتوان از "دیدار با گذشته" نوشته "ایاز"، "یکی از نویسندگان بسیار استعداد نسل جوان بعد از جنگ آذربایجان شوروی" بسیار کرد. خلاصه داستان چنین است: آگاهی، مهندس سرساختن دریاکو، تلگرافی بدون اعضا از سکو دریافت میدارد حاکی از اینکه تلگراف کننده فلان روز با هواپیما وارد باکو میشود و آگاهی باید به پیشوازش برود. آگاهی از این تلگراف مرموز که به کار "مافیا" میباند چیزی در نمی یابد و متحیر است که تلگراف کننده کیست.

ولی روز معهود به فرودگاه میروند و در آنجا حیرتش بیشتر میشود وقتی که بی بیند خانم "اسمر" دوست دوران کودکی او از عوا - بیما پیاده شد و فریاد کرد: "عزیزم، زود مریک جایی بنهان کن". جوابی در ترانهان کرد؟ - چونکه "من زن شوهر دار هستم که بدیدار نخستین عشق خود آمده ام... گوئین که من از شوهرم، از دوستان، حتی از خیاطم، با اینکه امروز یک پروخیلی مهمی دارم. فرار کرده ام. میهمی! البته نه برای همیشه، فقط برای یک روز، شب با هواپیما بر میگردد. آدم که روز تولد را بتو تبریک بگویم".

جمال شوهر اسمر دیلمات است. تقریباً دهه گذشته در او با کار کرده و اسمر زندگی خودشان را اینطور تعریف میکند. "اغلب اوقات در کشورهای خارجی هستیم. ولی در سکو هم یک آپارتمان سه اتاقه داریم. لوله نقل خاکروبه، حمام و مستراح جداگانه، کاشیکاری سیاه، تلغن مستقل، در و درقه می ایستگاه راه آهن زیرزمینی". "آی، آگاهی جان، اگر میدانستی ما با جمال چه مهمانخانه هائی دیده ایم، در چه هتل هائی منزل کرده ایم! در بلغارستان چه هتل هائی هستن های زرین، ساحل آفتابی - عقل از سر آدم میبرد".

حالا خانم اسمر با هواپیما - بقول خودش - "زیرا یکی" به باکو آمده است که یک روز بماند و تولد اوکائی را - که اولین عشق اوست - تبریک بگوید و شب دوباره با هواپیما بسکو برگردد. باهم صبحانه ای میخورند و بدتی شهر را میگردند و سپس میروند به سینما. آگاهی تعریف میکند که در سینما "لرزتر صحنائی انشتان او را روی دست راست خود، بیسر کیسوان او را روی گونه راست و بعد سر او را روی شانه خود احساس کردم". آنکا

باکنتی میروند به جزیره نارگن. در مهمانخانه آنها در اثر لباس و ظاهر عجیب و غریب اسمر و مرد عا سر ای ای آنها را اورانداز میکردند و خطر آن صیفت که بوزخند های صریح و آشکار، آخو اوج هاویج مع ها با اظهارات و بدقی تر روشن تر برسد. شامی میخورند و ودگائی و شامیایی.

آگاهی تعریف میکند که موقع برگشت باکنتی "روسی را از روی لبان او کشیدم و مدت ها بدیدی او را میبوسیدم... و نجوای او را میشنیدم که میگفت: "بالاخر من تو را برآورده ام...". این خلاصه یکی از داستان هائی است که رویزیونیست های شوروی ترجمه کرده و برای خلق ایران هدیه فرستاده اند. پرزواتوو فاسد تر از این خانم کیست که دل و دینش در اروپا و در آپارتمان سه اتاقه مدرن مسکو است! خانمی که خیاط مخصوص دارد و یک روز که در "پرو" میروند آن را هدیه کاری بزرگی می شمارد! خانمی که برای ارضای یک هوس خود با هواپیما از سکو به باکو پرواز میکند!

او همسریک دیلمات شوروی است. زندگی او مطهری از زندگی دیلمات ها محتر فراهانروایان شوروی است. بدیهی است که از این زندگی چیزی جز رویزیونیسم، جز فساد، جز ابتذال، جز سود پرستی جز سیادت طلبی، جز سوسیالیسم امپریالیسم نمی تراید. به بیند این قشر فرمانروا در داستان "درروشنائی روز" راجع به جنگ کبیر میهنی ضد فاشیستی شوروی چه نظر میدهد: "انسان خوب هم در موقع جنگ باین فکر عادت میکند که همه چیز بوج است، و عاقبت همه یکی است و باین جهت همه کاری ممکن است و همه چیز مجاز است. و باین فکر عادت میکند که چون دولت جان ترابی رود ریاستی میگردد پس میتوا همه چیز را بدون رود ریاستی از گیشه دولت برداشت. در موقع جنگ برداشتن مال مردم از دست و گرفتن مال مردم همارت حساب نمیشود... جنگ انسان را فاسد میکند، بهمین دلیل است که پس از جنگ هر نوع دزدی و هر نوع بیشرافتی در مملکت مانده اند".

جنگ کبیر میهنی ضد فاشیستی شوروی که بشریت را از فاشیسم رهائی بخشید و حماسه های بیمانند آفرید و جانبازی در راه آرمان سوسیالیستی را بدرتجهای بیسابقه ارتقا داد در نزد رویزیونیست ها چیز دیگری جز جنگ فاسد کننده و زاینده هر نوع دزدی و بیشرافتی نبود. هاست! از یک سو دولت سوسیالیستی (بند در آن جان سر بازان مشغول بود و از سوی دیگر سر بازان به غارت اموال دولت و خلق!

چنین است تصویر جنگ کبیر میهنی ضد فاشیستی شوروی در فرهنگ رویزیونیست ها! رویزیونیست ها باین تصویر نه فقط ظم تعریف بر تاریخ نخستین کشور سوسیالیستی جهان عیشکنند بلکه هرگونه جنگ عادلانه، انقلابی را از اعتباری اندازند. همه چیز بسوج است و عاقبت همه یکی است، چه بیگارگر سوسیالیسم و چه رت سر بازانازی، چه مبارز جنگ نجات بخش انقلابی و چه مزد ورت جنگ اسما بار امپریالیستی. تلاش تغییر جهان بسود فاسد و باید با آنچه ساخت. "رودری جان باش که جان سخت عزیز است!" این افسانه ای است که رویزیونیست ها با ادبیات خود در گوش خلق های بندگسل و آرمان پرست ویتنام و لائوس و کامبوج فلسطین، ظفار، آنکولا، موزامبیک و همه خلق های جهان میخوانند. این افسانه ای است برای خواب کردن ستم دیدگان عصبانگری که در خرداد ماه ۱۳۴۲ اراده خویرا بینی برتغیر سرنوشت باخون خویش در تاریخ ایران ثبت کردند. برای فرو نشاندن موج عظیم کوبنده های که خروشی از آن در کارخانه جیت سازی جهان و دهها کارخانه دیگر برچشم و گوش هیئت حاکمه ایران نهیب زده و میزند، برای تحقیر دهها و صد ها فرزندان قهرمان خلق ما که بر فلسفه "بوج گرانی" ارتجاعی و نواستعمار پست یا زنده و با مرگ خویش ضحونی تازه بزندگی بخشیدند.

فرهنگ رویزیونیستی شوروی با مضمون دوران ما مبارزه برخاسته است. باید آثار و رفتار فرهنگ امپریالیستی امریکائی افشا کرد.

عنوان مکاتبات  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D' ADDA/ITALY  
حساب بانکی  
X GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17.549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

## پیروز باد جنگ توده ای خلق فلسطین

بمناسبت روز هشتم مارس

## زنان ایران در پیکار رهایی بخش

رشد مبارزات ملی و دموکراتیک خلق ایران از شرکت روزافزون زنان حکایت میکند. امروز نام عده‌ای از زنان پیکار در لوجه افتخار می‌دهد. هیچ انقلاب بزرگی بدون شرکت فعال زنان به پیروزی نرسد و انقلاب ایران که باید یکی از مهمترین پایگاه‌های امپریالیسم و ارتجاع در خاورمیانه را براند از بدیهی است که نیروی عظیم زنان را نیاری خود تجهیز خواهد کرد.

شرکت زنان در مبارزه در زمین حال نشانه آن نیز هست که زنان با همت عظیم اجتماعی و عوام فریبانه اقدامات رژیم کودتارکلیه مسائل اجتماع ایران و منطبقه مسئله رهایی زن می‌برند و درمی یابند که افزایش حق ارت برای زنان - آنهم زنانی که خانواده‌های آنان جز فقر و قرض و پریشانی ارت دیگری ندارند - و با حق تصنیف اموالی که زن و شوهر در مدت زناشویی فراهم می‌آورند - آنهم در مورد خانواده‌هایی که جنی انباشتی از کار و گوشه‌نشینی و دوری از کار دارند - بمعنا آزادی زن نیست. رژیم کودتا عده‌ای از بانوان بورژوازا که تا دیروز سهم موثری در تقویت رژیم کودتا داشتند بطور فعال به خدمت خود در آورده است و این برودگی را آزادی میخواند. اگر امروز در کنار نام زشت و منفر مردانی که پایه‌های حکومت خیانت‌گرای بدوش می‌کنند نام معدودی از زنان نیز بچشم می‌خورد که زیر بار آنها را گرفته‌اند این بمعنای شرکت زنان در حیات اجتماعی نیست. اینکه فرح پهلوی بتواند یا نتواند نائب السلطنه بشود در وضع زنان ایران کمترین تأثیری نخواهد داشت. امر آزادی زنان را از زنانی سراغ نگیرید که بر کرسی‌های وزارت و وکالت محمد رضا شاه جلوه می‌فرشند. از زنانی سراغ بگیرید که در زندان غای هملانگ سازمان امنیت از شخصیت خود و خلق خود دفاع میکنند.

اگر در نظر بگیریم که موانع راه زنان بر مراتب بیشتر از مردان است، اگر قیود اجتماعی و خانوادگی، معتقدات قرون وسطی مردان - و حتی بسیاری از بهترین و مبارزترین آنها - را در مورد زنان بحساب بیاوریم، اگر به درندگی و زوالت‌ها موزان امنیت بویژه در حق زنان زندانی بیندیشیم، آنگاه بدلیری و فداکاری زنانی که بعید از مبارزه قدم می‌گذارند بی‌خواهیم بود. تبلیغ در میان زنان، جلب آنها ببارزه - و متشکل - ساختن آنها یکی از وظائف مهم حزب طبقه کارگر است. ولی چه بسا که بعزت عدم توجه با اهمیت آن و با گریز از دشواری آن بخوبی ایفا نمیشود.

تظاهراتی که اخیراً عده‌ای از زنان با اعتراض بر بیخبری از حال شوهران خویش - افسران و سربازان اعزامی به عمان - برپا کردند و یگانگی نماینده بطلبه تجاوز رژیم کودتا بر خلق عمان وظفاً بود، اگرچه با شرکت شرکت‌های ملی نشان داد که بسیاری از مسائل در جامعه ما وجود دارد که زنان میتوانند در مبارزه برای آنها بیشتر قدم بردارند و عوام‌اری توده‌گیری را برانگیزند و چه بسا که در شرایط مساعد با افراد عریه سنگین بر رژیم حاکم نائل آیند. راه آزادی زنان نیز در طی همینگونه مبارزات هموار خواهد گردید. ما در زمین حال که از هرگونه مبارزه برای احقاق حقوق زنان پشتیبانی می‌نماییم بی‌شک باید آگاهی بدیم که آزاد و زن برویه‌ای طولانی است و فقط بدست حکومت خلق بر عریه طبقه کارگر امکان پذیر خواهد گردید. تسکین قیود عقب ماندگی و اسارت زن در محیط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و خانوادگی قیودی نه زائیده تقسیم کار طبقاتی جامعه است. در آخرین مرحله کار، وقتی است که جامعه را بسوی نفی طبقات رنجبری کشد.

زنان مبارز باید بدانند که مبارزه برای سرنگونی رژیم کودتا در زمین حال مبارزه برای رهایی آنهاست.

بمناسبت روز هشتم مارس بزنان بقیه در صفحه ۵

## درباره وحدت مارکسیست - لنینیست های ایران

فکر وحدت روز بروز بیشتر میان مارکسیست ها - لنینیست های ایران رسوخ میکند و بسیار امیدبخش است. نیرو گرفتن این فکری بعلت شرایط عینی مبارزه است که وحدت مارکسیست ها - لنینیست ها و احیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران را ایجاب میکند و دیگر در نتیجه مبارزات حاد و نسبتاً طولانی آید. لوزیک است. اینکه پس از سالها بحث و مناظره و گذشت حوادث، مرزها روشن شده و انتخاب مواضع صحیح آسان تر گردیده است. اینکه دو تکیه گاه برای وحدت بوجود آمده است: یکی سابقه شش ساله سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان. این سابقه واقعی عینی است که میتواند ملاک قضاوت باشد. بدیهی است که توفان هنوز سازمان کوچکی است و در مدت بیشتر از شش سال فعالیت خود از نقایص و اشتباهات ببری نبوده است ولی کی میتواند این حقیقت را منکر شود که این سازمان عملاً پیوسته در خط مشی مارکسیستی - لنینیستی رهسپار بوده و مسائلی از جنبش کمونیستی و کارگری و نهضت ملی و دموکراتیک ایران را حل کرده است. سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان بحق میتواند از اعتماد مارکسیست ها لنینیست های ایران برخوردار باشد، و گسترش این اعتماد امری مشهود است.

" طرح برنامه و اساسنامه حزب طبقه کارگر ایران " که از طرف سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان منتشر شد تکیه گاه دیگری برای وحدت مارکسیست - لنینیست های ایران است. طرح مذکور همانطور که در دیباچه آن ذکر شده انطباق مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون بر شرایط خاص ایران با استفاده از تجارب نهضت کمونیستی چند ده ساله ایران و بویژه شش ساله سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان است. طرح مذکور مدعی حل کلیه مسائل نیست ولی بمسائل عده جواب گفته و راه بحث را هم نبسته است. مبالغه نیست اگر بگوئیم که پس از جدا شدن مارکسیست ها - لنینیست ها

از رویزیونیست های حزب توده ایران تاکنون چنین طرح نسبتاً جامعی از طرف هیچ گروه یا سازمان دیگری ارائه نشده است. طرح مذکور میتواند پایه وحدت اصولی مارکسیست ها - لنینیست های ایران باشد. البته این بدان معنی نیست که کلیه مارکسیست ها - لنینیست ها باید پیش از وحدت با همه فرمول بندی ها از عده و غیر عده موافق باشند. بلکه بدان معنی است که طرح مذکور علی الاصول طرحی مارکسیستی - لنینیستی است و میتواند مبنای توافق قرار گیرد. هر هیچ فرد آگاهی پوشیده نیست که اوضاع ایران که امپریالیست ها و سوسیال امپریالیست ها آخرین ابتکارات نواستعماری خود را در آن جا آزمایش کرده و میکنند بسیار بفرنج است و احتیاج به بررسی مداوم و تجدید و تکمیل نظریات در عمل دارد و این امر باید ضمن مبارزات متحد و پویا باشد. مارکسیست ها - لنینیست ها حاصل شود. هیچگاه تفرقه بین این امر که نخواهد کرد برای نمونه میتوان از مسائل روستایی ایران یاد کرد. مسئله مسلم است و آن اینکه رژیم کودتا بد هقان ایرانی زمین نداده و نمیتوانسته است بد هق را از این جهت نیروی عده انقلاب همچنان در روستاهاست. ولی برخی از درگرونی های طبقاتی در روستای ایران هنوز در حال شدن است و نتیجه گیری از آنها هنوز بیابان نرسیده و میتواند و باید مورد بحث و تحقیق کلیه مارکسیست ها - لنینیست های ایران باشد. وحدت مارکسیست ها - لنینیست ها را به نتیجه گیر قطعی از این بحث ها موکل کردن بمعنای نفی لزوم آن است. زیرا که سلسله اینگونه مسائل پایان پذیر نیست و با تحول وقت نمایدیر جامعه ایران هر روز موضوعات جدیدی برای بحث و تحقیق پیش خواهد آمد. و بدیهی است که فقط تشکیل کلیه مارکسیست ها - لنینیست ها و احیای حزب در عرصه ایران میتواند بهترین پاسخگوی این مسائل باشد.

بهمین مسئله " احیا " حزب طبقه کارگر بقیه در صفحه ۵

## گنج باد آورد خاندان پهلوی

- ۱۳- بانک انگلیس و ایران
  - ۱۴- بیمه ملی
  - ۱۵- شرکت شهرآرا
  - ۱۶- بنگاه نشر کتاب
  - ۱۷- بانک عمران تماماً با سرمایه محمد رضا شاه پهلوی.
  - ۱۸- کشتی رضاشاه کبیر مالکیت محمد رضا شاه پهلوی.
  - ۱۹- کشتی فرح پهلوی با مالکیت محمد رضا شاه پهلوی.
  - ۲۰- کشتی رضای پهلوی با مالکیت محمد رضا شاه پهلوی.
  - ۲۱- شرکت "میم، جیم، میم". با شرکت محمد رضا شاه پهلوی.
  - ۲۲- شرکت اتومبیل سازی جیبی با شرکت محمد رضا شاه پهلوی.
  - ۲۳- شرکت پارک صنعتی ولیعهد با شرکت دربار پهلوی.
  - ۲۴- شرکت سهامی "شهباق" با شرکت محمد رضا شاه پهلوی.
  - ۲۵- شرکت "شهرناز" با شرکت احمد رضا پهلوی و روز پهلوی.
  - ۲۶- شرکت معدنی "دونا" با شرکت محمود رضا پهلوی.
  - ۲۷- شرکت "کلی کا" با شرکت شهزاد پهلوی نیا.
  - ۲۸- شرکت سهامی "شل شیبایی ایران" با شرکت شهزاد پهلوی نیا.
  - ۲۹- شرکت "آباد ان ریگرن اینشن سنتر" با شرکت شهرآرا پهلوی نیا.
  - ۳۰- شرکت لایونج با شرکت شهزاد پهلوی نیا.
- بار دیگر بخوانندگان گرامی متذکر می‌شویم که این فقط بخشی از دارایی خاندان پهلوی در کارخانه ها و بنگاه های کشور است. مالکیت ارضی وسیع و مستغلات فراوان آنها در ایران و اروپا و آمریکا و کوه های دلاز آنها در بانک های خارجی بحساب نیامده است.
- خاندان پهلوی در پاسداری از این گنج باد آورد بسر چه نیرویی باید تکیه کند؟ برآورد آنی که سر و ته حقوقشان بهم نرسند؟ بر کارگرانی که در زیر بار استثمار خرد میشوند بر ماسوائی که در کشتی ها جان می‌کنند؟ بدیهی است که نه. پاسداری این گنج باد آورد فقط با زور جناب و پلیس جنایتکار و پشتیبانی امپریالیسم جهانی - تانک - میسر است. خیانت های عظیم ملی خاندان پهلوی زائیده شرایط عینی طبقاتی آنهاست.

گنج باد آورد خاندان پهلوی را باین آسانها نمیتوان از زبانی کرد. پولی که شاه بارها بعنوان "حق دلالتی" از فروش نفت و خرید اسلحه دریافت کرده به تنهایی کجی است. آنچه این خاندان در بانک های خارجی دارد، زمین های پهناوری که از مالکان دیگر و یا کشاورزان غصب کرده است، سهام وی در کارخانه ها و بنگاه های ایران، کاخ های وی در مالک اروپا و آمریکا، ثروت وی در بانک های ایران، مالکیت وی در کشتیرانی خلیج فارس، و غیره و غیره از حساب ما بیرون است.

ولی این روزها که عوام فریبی "منع کارمندان عالیرتبه دولت از مالکیت سهام کارخانه ها" در جریان است بد نیست که نظری به برخی از کارخانه ها و بنگاه های خاندان پهلوی در آنهاست. فیما بین ما است بیفکیم. فقط باید بدو نکته توجه داشت: نخست آنکه فهرست زیرین فقط مشتی نمونه خروار است، و دیگر آنکه خاندان پهلوی در مقابل مالکیت این سهام چه بسا که پولی نمیبرد از بلکه سهام داران دیگر برای اینکه از مراعات عرفانونی در غارت خلق معاف باشند بخشی از سهام خود را "داوالبانه" بیکی از "شاهپورها" شاهدخت ها و اولاد کبرها" تقدیم میکنند. اینک نظری به بخشی از سهام مذکور:

- ۱- کارخانه "فند غریبان" با شرکت محمد رضا شاه پهلوی (با واسطه) "بنیاد پهلوی".
- ۲- کارخانه "فند قهستان".
- ۳- کارخانه "ایرانیست".
- ۴- کارخانه "فند محمدان".
- ۵- کارخانه "شکر اعزاز".
- ۶- کارخانه "دارو بخش".
- ۷- کارخانه "سیمان تهران".
- ۸- کارخانه "فند کرمانشاه".
- ۹- کارخانه "لاستیک سازی کودریج".
- ۱۰- کارخانه "فند کوار".
- ۱۱- کارخانه "سیمان فارس و درورد".
- ۱۲- بانک اعتبارات.

## دست جلاد از جان میهن پرستان کوتاه!